

# نگاهی به جایگاه علم و عالم

## به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو

- **علق ۵-۱:** بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید. بخوان، و پروردگار تو کریم‌ترین است. همان کس که به وسیله قلم آموخت. آن چه را که انسان نمی‌دانست به او آموخت.
- **بقره ۱۵۱:** همان‌طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم، [که] آیات ما را بر شما می‌خواند، و شما را پاک می‌گرداند، و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد، و آن چه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد.
- **پیامبر اکرم (ص):** تحصیل دانش بر هر مسلمانی واجب است. با دانش است که پروردگار فرمانبری و پرستش می‌شود و با دانش است که پیوندهای خویشاوندی برقرار می‌ماند و روا از ناروا باز شناخته می‌شود. دانش پیشوای عمل است و عمل پیرو آن می‌باشد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۳۷)
- **امام باقر (ع):** هیچ عملی پذیرفته نیست جز به معرفت و هیچ معرفتی پذیرفته نیست جز به عمل. (تحف‌العقول، ص ۳۰۴)
- **پیامبر اکرم (ص):** روز قیامت مرگب عالمان و خون شهیدان با هم وزن می‌شوند و مرگب عالمان بر خون شهیدان می‌چرد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۴۱)
- **پیامبر اکرم (ص):** هر که برای آموختن دانشی خارج شود تا به وسیله آن باطلی را به حق یا گمراهی و ضلالتی باز گرداند، این کار او مانند عبادت کسی است که چهل سال عبادت (خدا) کرده باشد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۴۳)
- **امام علی (ع):** دو رکعت نماز عالم، بهتر از هفتاد رکعت نماز نادان است؛ زیرا عالم با فتنه (و شرایط گمراه‌کننده) روبه‌رو می‌شود اما به واسطه دانش خود از آن بیرون می‌رود، اما جاهل با فتنه روبه‌رو می‌گردد و در آن خرد و متلاشی می‌شود. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۴۵)
- **امام علی (ع):** کسانی که به آدمیان شباهت دارند او را عالم خوانده‌اند، ولی چنین نیست. هر بامداد برخاست و به گرد آوردن چیزهایی پرداخت که کمتر بودن آنها بهتر از بیشتر بودنشان است، تا چنان شد که از نوشیدن آب گندیده سیراب شد و آن چه را بیهوده جمع کرده بود گنج پنداشت. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷)
- **امام علی (ع):** در غفلت آدمی همین بس که عمر خود را در راه چیزهایی که نجاتش نمی‌دهد هدر کند. (غررالحکم، حکمت ۷۰۷۵)
- **مسیح (ع):** چگونه در شمار اهل علم باشد کسی که دنیای خود را بر آخرتش ترجیح می‌دهد و به دنیا روی آورده‌است و آنچه را به او زیان می‌زند دوست‌تر دارد از آنچه به او سود می‌رساند؟ (میزان‌الحکمه، ص ۴۰۱۳)
- **امام کاظم (ع):** سزاوارترین دانش برای تو آن دانشی است که عملت جز با آن درست نشود، و ضروری‌ترین عمل برای تو عملی است که در برابر آن بازخواست می‌شوی، و لازم‌ترین دانش برای تو دانشی است که صلاح و فساد دلت را به تو نشان دهد، و نیک‌فرجام‌ترین دانش، آن دانشی است که بر عمل تو در این دنیا بیفزاید. پس، به دانستن چیزی که ندانستن آن زبانی به تو نمی‌رساند مپرداز و از دانستن چیزی که فروگذارندش بر نادانی تو می‌افزاید غافل مباش. (میزان‌الحکمه، ص ۴۰۲۵)
- **زمر ۴۹:** و چون انسان را آسیمی رسد ما را فرا می‌خواند؛ سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید: «تنها آن را به دانش خود یافته‌ام». نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی‌دانند.
- **امام علی (ع):** در پاسخ به این پرسش که «دانش چیست؟» فرمود: «چهار جمله: این که خدا رابه اندازه‌نیازی که به او داری عبادت کنی، به اندازه طاقتی که در برابر آتش داری نافرمانیش کنی، برای دنیایت به اندازه عمری که در آن داری، کار کنی و برای آخرت به اندازه مدتی که در آن هستی، کار کنی.» (میزان‌الحکمه، ص ۴۰۲۵)
- **امام صادق (ع)** [در توضیح این آیه «بگو حجت رسا ویژه خداست» (انعام، ۱۴۹) فرمود: [خدای تعالی در روز قیامت به بنده فرماید: «بنده من! آیا می‌دانستی؟» اگر پاسخ دهد «آری»، خداوند به او می‌فرماید: «آیا به آنچه می‌دانستی عمل کردی؟» و اگر پاسخ دهد «نمی‌دانستم» بدو فرماید: «چرا نیاموختی تا عمل کنی؟» پس مجاب و محکوم شود. این است آن حجت رسا و قاطع. (میزان‌الحکمه، ص ۱۰۲۳)
- **پیامبر اکرم (ص):** گناه عالم یکی است و گناه نادان دو تا. عالم فقط برای ارتکاب گناه عذاب می‌شود، اما نادان هم برای ارتکاب گناه و هم برای نیاموختن علم عذاب می‌گردد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۳۳)
- **امام علی (ع):** مردمان بر سه گونه‌اند: عالمان ربانی، آموزنده‌های کوشنده در راه نجات، و باقی همه ابلهانی که در پی هر بانگ کننده‌ای به راه می‌افتند و هر بادی آنان را به سوی متمایل می‌کند. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷)
- **امام صادق (ع):** مردم بر دو گونه‌اند: عالمند یا فراگیرنده علم، و دیگر مردم پشه دم باندند، و پشه‌های دم باد در آتشند. (آثارالصادقین، ج ۱۳، ص ۵۱۳)
- **امام علی (ع):** زودا که پس از من بر شما روزگاری آید که چیزی از حق پنهانتر نباشد، و از باطل آشکارتر، و از دروغ بستن بر خدا و رسول او بیشتر؛ و نزد مردم آن زمان کالایی زینمندتر از قرآن نیست اگر آن را چنانکه باید بخوانند، و نه پر سودتر از قرآن، اگر معنی کلماتش را برگردانند؛ و در شهرها چیزی از معروف ناشناخته‌تر و از منکر شناخته‌تر نباشد. ... پس آن مردم در جدایی متفق‌اند و از جمع گریزان. گویی آنان پیشوای قرآنند و نه قرآن پیشوای آنان. پس، جز نامی از قرآن نزدشان نماند، و نشناسند جز خط‌نوشته آن؛ و پیش از این چه کيفرها که بر نیکوکاران نراندند، و سخن راستشان را دروغ بر خدا خواندند و کار نیک را پاداش بد دادند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷)

□ **امام صادق(ع):** همانا بنی‌امیه تعلیم ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند ولی تعلیم شرک را آزاد نگذاشتند، تا اگر آنان را به شرک بکشاند متوجه نشوند. (میزان‌الحکمه، ص ۲۷۱۹)

□ **پیامبر اکرم(ص):** چون بدعت‌ها در امت من پدید آید بر عالم است که علم خود را آشکار کند. پس هر کس چنین نکند لعنت خدا بر او باد. (ترجمه الحیاه، ج ۲، ص ۴۶۷)

□ **آل عمران ۱۸۸-۱۸۷:** و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده‌شده، پیمان‌گرفت که حتماً باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید. پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن بهایی‌ناچیز به دست آوردند، و چه بد معاملهای کردند. گمان مبر کسانی که بدانچه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست‌دارند به‌آنچه نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، قطعاً گمان‌مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است، [که] عذابی دردناک خواهند داشت.

□ **امام حسین(ع)** [افزاهایی از خطبه ایشان در منی]: پس شما ای گروه قدرتمند که به علم شهرت دارید و به نیکی از شما یاد می‌کنند و به خیرخواهی و اندرزگویی معروف شده‌اید و به خاطر خدا در دل مردم مهابتی پیدا نموده‌اید، مرد مقتدر از شما بیم دارد و ناتوان به تکریم شما برمی‌خیزد و آن کس که هیچ برتری و قدرتی بر او ندارد شما را بر خود مقدم می‌دارد، هر گاه نیازمندان از رسیدن به نیازهای خود محروم مانند شما را واسطه می‌گیرند و در راه‌ها با هیبت شاهان و احترام سران و بزرگان گام برمی‌دارید، آیا همه اینها بدان امید نیست که به استوار داشتن حق خدا قیام کنید؟ اگرچه در این امر کاری که می‌باید نکردید.

... کوران و گنگان و بیماران زمینگیر در شهرها به حال خود رها شده‌اند و به آنها ترحمی نمی‌شود اما شما به کاری که شایسته‌تان است بر نمی‌خیزید و دیگران را نیز در چنین کارهایی مدد نمی‌رسانید و با مسامحه و سازش با ظالمان خود را آسوده می‌دارید. در حالی که این همه، وظایفی است که خدا بر عهده شما گذاشته است. ... شما با منزلتی که داشتید ستمکاران را قدرت و استقرار بخشیدید و کارهای خدا را به دست ایشان سپردید تا به شبهه‌ها عمل کنند و بر راه شهوت‌ها و هوای نفسانی خویش پیش روند. سبب چیرگی ایشان گریز شما از مرگ و خوش آمدن شما از حیاتی است که ناگزیر ترکتان خواهد کرد.

شما ناتوانان را به دست ایشان تسلیم کردید که یا همچون برده مقهور باشند و یا همچون مستضعفی برای اداره امور زندگی در دست آنان اسیر. در کشورداری به اندیشه خود هر چه می‌خواهند می‌کنند و در اقتدای به اشرار و گستاخی نسبت به خدای جبار، با پیروی هوای نفس، کار را به رسوایی می‌کشاند. بر منبر هر شهر از شهرهای ایشان خطیبی است که بانگ برمی‌دارد و آنچه می‌خواهد می‌گوید. کشور در برابر ایشان بی‌معارض است و دست‌های ایشان در آن گشاده. (تحف العقول، باب سخنان امام حسین علیه السلام)

□ **پیامبر اکرم(ص):** به نماز و روزه و حج و بخشش و ناله‌های شبانه آنان نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنان بنگرید. (میزان‌الحکمه، ص ۴۰۹)

□ **امام سجاد(ع)** [از نامه معروف او به محمد بن مسلم زُهری، از فقهای مدینه]: ... گمان مبر که خدا عذر تو را بپذیرد و از تقصیرت درگذرد؛ هیهات! هیهات! که چنین نخواهد بود. خدا در قرآن از علما پیمان گرفته است که دین خدا را بر مردمان آشکار کنند و پنهان مدارند؛ و بدان که کوچکترین چیزی که تو پنهان کرده و سبکترین گناهی که بر دوش داری این است که دل‌نگرانی ستمگر را بدل به آسودگی کرده‌ای و راه گمراهی را بر او آسان ساخته‌ای، و این کار با نزدیک شدن تو به او و پذیرفتن دعوت او صورت گرفته است. از آن می‌ترسم که فردای قیامت با این گناه در میان خیانتکاران جای داشته باشی و از تو بپرسند از آنچه گرفتی و به ستمکاری ستمگران کمک کردی، و بپرسند چرا چیزی را که حق تو نبود از کسی که به تو بخشید گرفتی، و چرا به کسی نزدیک شدی که حق هیچکس را نمی‌داد، و چرا در آن هنگام که تو را به خود نزدیک کرد از باطلی جلوگیری نکردی؟

... تو از موقعیتی که در نزد مردم پیدا کردی و اعتقاد ایشان به خویش بهره گرفتی، چه آنان از رأی تو پیروی می‌کردند و به فرمان تو به کار برمی‌خاستند. اگر چیزی را حلال می‌کردی آن را حلال می‌شمردند و اگر حرام می‌کردی حرام می‌دانستند؛ و این برای خود تو نبود، بلکه برای رغبت مردم بود به مقام دنیایی تو، همچنین رفتن علما از میان ایشان، و چیره‌شدن جهل‌وندانی بر تو و بر ایشان، و ریاست‌دوستی و دنیاخواهی تو و ایشان... (ترجمه الحیاه، ج ۲، ص ۴۵۷)

□ **پیامبر اکرم(ص):** چون روز قیامت فرارسد منادی بانگ کند: «کجایند ستمگران، و دستیاران ستمگران: کسی که لیفه‌ای در دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه‌ای برای ایشان بسته یا یک بار برای ایشان قلم به دوات زده است، همه را با آنها محشور کنید.» (ترجمه الحیاه، ج ۲، ص ۵۰۲)

□ **امام صادق(ع):** اگر بنی‌امیه کسی را نمی‌یافتند که برایشان بنویسد و مالیات جمع‌آوری کند و برایشان بجنگد و در جماعتشان حاضر شود، هرگز نمی‌توانستند حق ما را سلب کنند. (میزان‌الحکمه، ص ۳۲۸۱)

□ **ابن‌ابی‌یعفور** گوید: ... از امام صادق(ع) پرسیدم: «آیا آنجا که خداوند گفته است: «والذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون» (بقره، ۲۵۷) آیا مقصودش کفار نیست؟» فرمود: کافر چه نوری می‌تواند داشته باشد تا از آن به تاریکی‌ها بیرون شود؟ بلکه مقصود خدا آن است که ایشان بر نور اسلام بودند و چون دوستدار و پیرو هر پیشوای ستمگری شدند که خدا آن را تعیین نکرده بود، از نور اسلام به ظلمات کفر درآمدند. پس همراه با کفار شایسته آتش شدند و به همین جهت خداوند گفته است: «انان همدمان آتشنند و جاودانه در آن خواهند ماند.» (ترجمه الحیاه، ج ۲، ص ۶۵۹)

□ **امام باقر(ع)** [درباره آیه «اینان دانشمندان و راهبان خود را به جای خداوند به الوهیت گرفتند...» (توبه، ۳۱) فرمود: [به خدا سوگند که برای ایشان نماز نگزاردند و روزه نگرفتند، بلکه از ایشان در معصیت خدا اطاعت کردند. (ترجمه الحیاه، ج ۲، ص ۶۵۴)]

□ **امام علی(ع):** کسی که به فرمانبری از مخلوق و نافرمانی از خالق گردن نهد دین ندارد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۳۳۵)

□ **پیامبر اکرم(ص):** هر کس با انجام کاری که خدا را ناخشنود می‌کند فرمانروایی را خشنودسازد از دین خدای عزوجلّ خارج شده‌است. (میزان‌الحکمه، ص ۳۳۳۵)

□ **امام علی(ع):** حق و باطل با مردم شناخته نمی‌شوند بلکه حق را بشناس تا اهلش را بشناسی و باطل را بشناس تا مرتکب آن را بشناسی. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۳)

□ **امام صادق(ع):** هر که از طریق اشخاص به این دین درآید باز هم اشخاص همچنان که او را به آن درآورده‌اند از آن خارجش می‌کنند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۸۲۱)

□ **انبیا ۶۸-۶۲:** گفتند: «ای ابراهیم، آیا تو با خداوندان ما چنین کردی؟» گفت: «نه!، بلکه آن را این بزرگترشان کرده است، اگر سخن می‌گویند از آنها بپرسید.» پس به خود آمده و [به یکدیگر] گفتند: «در حقیقت شما ستمکارید.» سپس سرافکنده شدند [و گفتند]: «قطعاً دانسته‌ای که اینها سخن نمی‌گویند.» گفت: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که هیچ سود و زبانی به شما نمی‌رساند؟ آف بر شما و بر آنچه به غیر از خدا می‌پرستید. مگر نمی‌اندیشید؟» گفتند: «اگر کاری می‌کنید او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.»

□ **بقره ۹۳:** و به علت کفرشان مهر گوساله [سامری] در دلشان سرشته شد. بگو چه زشت است آنچه ایمانتان به شما فرمان می‌دهد اگر مؤمنید!

□ **طه ۸۹:** مگر نمی‌بینند که [گوساله] پاسخ سخن آنان را نمی‌دهد و به حالشان سود و زبانی ندارد؟

□ **غافر ۲۶:** و فرعون گفت: «مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند. من می‌ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند.»

□ **غافر ۴۲-۴۱:** [مؤمن آل فرعون گفت:] و ای قوم من چه شده است که من شما را به نجات فرا می‌خوانم و [شما] مرا به آتش فرا می‌خوانید؟ مرا فرا می‌خوانید تا به خدا کافر شوم و چیزی را که به آن علمی ندارم با او شریک گردانم... .

□ **سبأ ۳۲-۳۱:** ... و ای کاش بیدادگران را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند می‌دیدید [که چگونه] برخی از آنان با برخی [دیگر جدل و] گفتگو می‌کنند؛ کسانی که زیر دست بودند به کسانی که [اریاست و] برتری داشتند، می‌گویند: «اگر شما نبودید قطعاً ما مؤمن بودیم.» کسانی که [اریاست و] برتری داشتند به کسانی که زیر دست بودند، می‌گویند: «مگر ما بودیم که شما را از هدایت - پس از آنکه به سوی شما آمد - بازداشتیم؟ نه!، بلکه خودتان گناهکار بودید.»

□ **امام‌علی(ع):** [در صفین] ... بسا مردم که ستایش را دوست دارند، از آن پس که در کاری کوششی آرند، لیکن مرا به نیکی مستایید تا از عهده حقوقی که خداوند و شما بر گردنم دارید و هنوز ادا نکرده‌ام برآیم. پس آنچنان که با زمامداران ستمگر سخن می‌گویند، با من سخن مگویید و آنچنان که در پیشگاه حکام جبار خود را جمع و جور می‌کنند، در حضور من نباشید و به طور تصنعی با من رفتار مکنید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید و گمان مبرید که من در پی بزرگداشت خویشتم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه داشتن عدالت به او برایش سنگین باشد عمل به حق و عدالت بر او دشوارتر است. پس، از گفتن سخن حق یا رای زدن در عدالت خودداری نکنید زیرا من خویشتم را آنچنان والا نمی‌پندارم که بری از خطا باشم و از آن در کارهایم ایمن نیستم مگر آنکه خداوند مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن توانا تر است. همانا من و شما بندگان مملوک پروردگاریم و جز او پروردگاری نیست. **(نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶)**

□ **مائده ۱۰۴:** چون به آنان گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیاوید»، می‌گویند: «آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است.» آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند؟

□ **امام‌باقر(ع):** در آخرالزمان مردمی می‌آیند که پیرو عده‌ای هستند که دم از عبادت و زهد می‌زنند و ناپخته و سبکسرند. امر به معروف و نهی از منکر را تنها هنگامی واجب می‌دانند که ضرری به آنان نرساند و برای خود عذرها و بهانه‌ها می‌تراشند. از لغزش‌ها و فساد عمل علمایشان پیروی می‌کنند و به نماز و روزه و آنچه که ضرری به جان و مالشان نمی‌زند روی می‌آورند. اگر نماز هم به دیگر کارهای مربوط به مال و جانشان ضرر میزد آن را کنار می‌گذاشتند، همچنانکه بالاترین و ارجمندترین فرایض را کنار گذاشتند. همانا امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای است بزرگ که دیگر فرایض به واسطه آن برپا می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد، درآمدها حلال می‌شود، حقوق و اموال به زور گرفته شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد. **(فروع کافی، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، حدیث نخست)**

□ **شهید مطهری:** [خارج] اساساً منکر بصیرت در عمل بودند، زیرا تکلیف را امری تعبدی می‌دانستند و مدعی بودند باید با چشم بسته انجام داد [...]. می‌گفتند امر به معروف و نهی از منکر تعبد محض است و شرط احتمال اثر ندارد. **(جاذبه‌ودافعه‌علی(ع)، شهیدمطهری، انتشارات‌صدرا، ص ۱۲۵)**

□ **یوسف ۱۰۸:** بگو: «این است راه من، که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم.»

□ **شهید مطهری:** در اخبار وارد شده که امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله و سه مقام دارد: مرحله قلب، مرحله زبان و مرحله ید و عمل. ما معمولاً از مرحله قلب به جای آنکه اخلاص و حسن نیت و علاقه را درک کنیم، جوش و خروش و عصبیت‌های بیجا می‌فهمیم و از مرحله زبان به جای آنکه بیان‌های روشن‌کننده و منطقی بفهمیم که قرآن می‌گوید «ادعوا الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه»، موعظه‌ها و پندهای تحکم‌آمیز می‌فهمیم و از مرحله ید و عمل هم به جای اینکه تبلیغ عملی و حسن عمل و همچنین تدابیر عملی بفهمیم، این مطلب را فهمیده‌ایم که باید اعمال زور کرد. **(ده گفتار، ص ۶۴)**

□ **پیامبراکرم(ص):** کسی که بدون شناخت عمل کند، خراب‌کردنش بیشتر از درست کردن اوست. **(میزان‌الحکمه، ص ۳۹۹۷)**

□ **امام‌صادق(ع):** کسی که بدون بینش عمل کند همچون کسی است که در بیراهه رود. چنین کسی هر چه تندتر رود از راه دورتر می‌افتد. **(میزان‌الحکمه، ص ۳۹۹۵)**

□ **امام‌علی(ع):** عمل اندکی که با علم بسیار همراه باشد، بهتر است از عمل بسیار که با علم اندک و شک و شبهه توأم باشد. **(میزان‌الحکمه، ص ۳۹۴۳)**

□ **پیامبراکرم(ص):** فضیلت علم نزد من خوشتر از فضیلت عبادت است. **(میزان‌الحکمه، ص ۳۹۴۱)**

□ در حضور پیامبر(ص) از دو مرد سخن به میان آمد و چنین گفته شد که یکی از آنها نماز فریضه را بجا می‌آورد و سپس می‌نشیند و به مردم خوبیها را آموزش می‌دهد، اما دیگری روزها را روزه می‌گیرد و شبها را به عبادت می‌گذراند. رسول‌خدا(ص) فرمود: «برتری اولی بر دومی همچون برتری من است بر کمترین فرد شما!» **(میزان‌الحکمه، ص ۳۹۶۱)**

□ **پیامبراکرم(ص):** بهترین صدقه، این است که انسان علمی را بیاموزد و سپس آن را به برادر خود آموزش دهد. **(میزان‌الحکمه، ص ۳۹۵۵)**

□ **مسیح(ع):** چگونه از اهل علم باشد کسی که سخن را فرا می‌گیرد برای این‌که بازگو کند و آن را فرا نمی‌گیرد برای این‌که به آن عمل کند؟ **(میزان‌الحکمه، ص ۴۰۱۳)**

□ **امام‌علی(ع):** هر کس علم را برای به کار بستن آن بیاموزد بی‌رونقی بازار علم او را به هراس نیفکند. **(میزان‌الحکمه، ص ۳۹۶۷)**

- پیامبر اکرم(ص): همانا بنده گناه می کند و به سبب آن دانشی را که داشته است فراموش می کند. (میزان الحکمه، ص ۱۹۰۱)
- جاثیه ۲۳: پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟
- پیامبر اکرم(ص): علم عمل را صدا می زند، اگر پاسخش را بدهد می ماند و گرنه می رود. (میزان الحکمه، ص ۳۹۹۷)
- امام علی(ع): هیچ چیز مانند به کار بستن علم، علم را رشد ندهد. (میزان الحکمه، ص ۳۹۹۹)
- امام باقر(ع): هر که به آنچه می داند عمل کند، خداوند به او آنچه که نمی داند را بیاموزد. (میزان الحکمه، ص ۴۰۲۷)
- امام علی(ع): اندکی دانش، جهل بسیاری را از بین می برد. (میزان الحکمه، ص ۴۰۳۱)
- اسراء ۳۶: و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.
- عنکبوت ۸: و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند، ولی اگر آنها با تو درکوشند تا چیزی را که بدان علم نداری با من شریک گردانی، از ایشان اطاعت نکن.
- پیامبر اکرم(ص): تقوی و پرهیزگاری کامل آن است که آنچه را ندانی بیاموزی و بدانچه می دانی عمل کنی. (آثار الصادقین، ج ۱۳، ص ۵۴۳)
- امام صادق(ع): مردی خدمت رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! علم چیست؟» فرمود: «خاموشی.» عرض کرد: «سپس چه؟» فرمود: «گوش سپردن.» عرض کرد: «دیگر چه؟» فرمود: «حفظ و مراقبت.» عرض کرد: «آن گاه چه؟» فرمود: «به کار بستن آن.» عرض کرد: «سپس چه، ای رسول خدا؟» فرمود: «انتشار دادن آن.» (میزان الحکمه، ص ۴۰۱۷)
- پیامبر اکرم(ص): اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خدای تعالی نزدیکم گرداند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک میاد. (میزان الحکمه، ص ۳۹۳۳)
- پیامبر اکرم(ص): هر کس علم را برای چهار چیز فرا گیرد به دوزخ رود: برای فخر فروشی بر علما، یا ستیزه کردن با نادانان، یا جلب توجه مردم به سوی خود، یا به نوارسیدن از فرمانروایان. (میزان الحکمه، ص ۳۹۶۹)
- پیامبر اکرم(ص): در دانش با یکدیگر یکرنگ باشید، زیرا خیانت هر یک از شما درعلمش بدتر از خیانت کردن در مال است و در روز قیامت خداوند از شما بازخواست می کند. (میزان الحکمه، ص ۴۰۰۳)
- پیامبر اکرم(ص): سوال و پرسش خوب نیمی از دانش است. (آثار الصادقین، ج ۱۳، ص ۵۵۷)
- پیامبر اکرم(ص): به دانشمندی نزدیک شوید که شما را از تکبر به تواضع و از ریاکاری به اخلاص و از شک به یقین و از رغبت و میل (به دنیا) به زهد و بی رغبتی و از دشمنی به خیرخواهی دعوت می کند. (آثار الصادقین، ج ۱۳، ص ۴۷۹)
- امام صادق(ع): بعضی از علما دوست می دارند دانش خود را نهان سازند تا دیگران از آن بهره مند نگردند، اینان در طبقه اول از دوزخاند؛ عالمی دیگر است که هرگاه کسی به او پند دهد ننگ دارد و کینه در دل گیرد و هر گاه خود پند دهد درشتی کند، این کس در طبقه دوم از آتش است؛ عالمی که در تعلیم دانش به دیگران ثروتمندان را شایسته تر می داند و فقرا و تهی دستان را از دانش محروم می سازد، این عالم در طبقه سوم از دوزخ جای دارد؛ عالمی دیگر در هیأت فرمانروایان سرکش می باشد، هر گاه گفته اش را رد کنند یا بر او خرده بگیرند و یا در انجام امرش کوتاهی شود خشمناک می گردد، این عالم در طبقه چهارم از آتش دوزخ جای دارد.... (آثار الصادقین، ج ۱۳، ص ۵۸۲)
- امام علی(ع): سرِ دانش افتادگی است ... و از میوه های آن است: تقوا و دوری از هوس و پیروی از حق و پرهیز از گناهان و دوست داشتن برادران و گوش دادن به سخنان دانشمندان و پذیرفتن از آنها و نیز از میوه های آن است: خودداری از انتقامگیری در هنگام داشتن توانایی (برگرفتن انتقام) و زشت شمردن نزدیک شدن به نادرستیها و نیکو شمردن پیروی از درستیهها و راستگویی و پرهیز از شادبهای غفلت آمیز و دوری کردن از انجام آنچه پشیمانی در پی دارد. دانش، بر خرد خردمند می افزاید و به فراگیرنده خود صفات پسندیده می دهد. (میزان الحکمه، ص ۳۹۹۱)
- امام علی(ع): هر که گفتن «نمی دانم» را ترک کند خویشش را به هلاکت داده است. (آثار الصادقین، ج ۱۳، ص ۶۱۵)
- امام علی(ع): عالم کسی است که از دانش سیر نشود و وانمود به سیر شدن از آن نیز نکند. (میزان الحکمه، ص ۳۹۸۹)
- امام علی(ع): حکمت را از هر که برایت آورد فراگیر و بنگر که چه گفته می شود و منگر که گوینده کیست. (میزان الحکمه، ص ۳۹۷۵)
- مسیح(ع): حق را از اهل باطل فراگیرید و باطل را از اهل حق فرا نگیرید. سخن سنج باشید. (میزان الحکمه، ص ۳۹۷۵)
- امام صادق(ع): بنویس و علم خود را میان برادرانت پخش کن، اگر بمیری کتابهایت را به فرزندان ارث بده، زیرا زمان و روزگار پر هرج و مرجی به مردم رخ خواهد نمود که تنها به کتابهایشان انس و الفت می گیرند. (آثار الصادقین، ج ۱۳، ص ۵۲۶)
- امام علی(ع): ای مردم! ما در روزگاری کینه توز و زمانه ای پر کفران واقع شده ایم؛ نیکوکار بدکار به شمار می آید و ستمکار بیش از پیش بر طغیان می افزاید، از آنچه می دانیم بهره ای نمی بریم و آنچه را نمی دانیم نمی پرسیم و از هیچ بلایی تا بر ما فرود نیاید نمی ترسیم. (نهج البلاغه، خطبه ۳۲)
- امام علی(ع): همانا کارها را تجربه نمودید و آن را چنانکه باید آزمودید، و از کسانی که پیش از شما بودند پند آموختید و از مثلها که برای شما زدند دانش اندوختید. به کاری خوانده شده اید که آشکار است. پس آنکه آن را به گوش نگیرد ناشنواست، و آنکه آن را نبیند نابیناست، و آن را که خدا از آزمایش و تجربتها سود نرساند، از پند و نصیحت بهره ای بر ندارد و تقصیر و کوتاهی آشکارا دامن او را بگیرد، چندانکه ناشناخته را شناخته انگارد و شناخته را ناشناخت داند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)